

تحلیل و ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در راستای توسعه پایدار روستایی (منطقه مورد مطالعه: استان کرمان، شهرستان ریگان)

مهدی قربانی^۱

لیلا عوض‌پور^۲

مرضیه سیرمی‌راد^۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۱۰

چکیده

در راستای تحریک اتحاد و حفظ وفاداری میان افراد در گروه‌های مختلف، تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی امری ضروری است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل سرمایه مذکور به منظور توسعه پایدار روستایی در روستای رستم‌آباد علی‌چارک از توابع شهرستان ریگان استان کرمان است که در آن توانمندسازی جوامع محلی عملیاتی شده است. جامعه آماری در این مطالعه اعضای گروه‌های توسعه روستایی است که ۱۴۹ نفر در غالب ۹ گروه را شامل می‌شود. در این تحقیق میزان روابط اعتماد و مشارکت در شبکه ذی‌نفعان با استفاده از پرسشنامه‌های تحلیل شبکه‌ای و براساس مشاهده مستقیم و مصاحبه با تمام کنشگران، همچنین توجه به سنجش شاخص‌های سطح کلان شبکه مانند تراکم، دوسوییگی، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه بررسی شده و بیانگر میزان اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی متوسط پیش از اجرای پروژه توانمندسازی جوامع محلی است. پس از اجرای این پروژه میزان این شاخص‌ها افزایش پیدا کرده و به حد مطلوبی رسیده است. سرعت گردش و تبادل اعتماد و مشارکت بین افراد پس از اجرای طرح در مقایسه با قبل از اجرای آن افزایش یافته و اجرای طرح، اتحاد و همستگی بین افراد را بیشتر کرده است؛ از این رو اجرای این پروژه میزان اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی را افزایش داده و در نتیجه بسترهای اجتماعی مورد نیاز برای تحقق مطلوب توسعه پایدار روستایی را فراهم کرده است. **واژه‌های کلیدی:** پروژه توانمندسازی جوامع محلی، تحلیل شبکه، توسعه پایدار روستایی، روستای رستم‌آباد علی‌چارک، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی.

۱. دانشیار دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mehghorbani@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، leila.avazpour@ut.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، m.siramirad@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

امروزه در دستیابی به توانمندسازی جوامع روستایی و در راستای تحقق توسعه پایدار، بر سرمایه‌های مختلفی که مهم‌ترین آن‌ها سرمایه اجتماعی است تأکید می‌شود، در واقع این سرمایه در کنار سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین با تأکید بر مؤلفه‌های اعتماد و مشارکت، یکی از انواع سرمایه‌های تأثیرگذار است (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۲؛ پرتی و وارد، ۲۰۰۱: ۲۱۳)، همچنین در کنار دو عامل سرمایه مالی و انسانی، رکن سوم دستیابی به توسعه را تشکیل می‌دهد و خمیرمایه اصلی توسعه است (بولن و انیکس، ۱۹۹۱: ۱).

تعاریف متعدد و گوناگونی از توسعه ارائه شده است، اما در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: توسعه یعنی فراهم‌شدن زمینه‌های لازم برای بروز و ظهور ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عناصر مختلف در اجتماع و میدان یافتن آن‌ها برای دستیابی به پیشرفت و افزایش توانایی‌های کمی و کیفی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بطن جامعه و حکومت. پیش‌تر آنچه در تمامی پروژه‌های توسعه مدنظر قرار می‌گرفت، دیدگاه اقتصادی، ایجاد درآمد و بازده اقتصادی بود، اما در دهه ۱۹۷۰ سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه متوجه شدند که درنهایت این روند به دلیل تخریب محیط‌زیست، ایجاد نابرابری اجتماعی و کاهش منابع پایه موجب زیان‌های فراوان اقتصادی خواهد شد؛ از این‌رو سازمان ملل متحد با برگزاری کنفرانس‌های جهانی مانند محیط زیست انسانی، زمین و توسعه و توسعه پایدار توجه جهان را به موضوع حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار جلب خواهد کرد (صالحی شانجانی، ۱۳۸۴: ۶۰).

توسعه عبارت است از کنش‌هایی که به منظور سوق‌دادن جامعه به سوی تحقق مجموعه‌ای منظم از شرایط زندگی جمعی و فردی صورت می‌گیرد که در ارتباط با برخی ارزش‌ها مطلوب تشخیص داده شده است (روشا، ۲۰۰۲: ۳۳). این راستا یکی از اجزای اساسی و شالوده توسعه، مقوله توسعه پایدار روستایی است که به بهبود زندگی و دستیابی به عدالت اجتماعی می‌انجامد (تامسون، ۱۹۹۹: ۸) و رهیافتی در دستیابی به آرزوهای آتی ساکنان روستاهاست (الند و ویرسام، ۲۰۰۱: ۵). این رهیافت با طیف وسیعی از تغییرات و تحولات عمیق به دنبال بهبودبخشی کیفیت زندگی روستاییان به منظور تحقق رفاه مستمر اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است (هاریسون، ۱۹۹۶: ۷۲). در واقع، توسعه پایدار روستایی فرایندی چندبعدی

است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماع روستایی است.

توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمام افراد جامعه است. مقصود مطلوب توسعه، بهبود کیفیت زندگی همه افراد است؛ بنابراین کوشش برای دستیابی به توسعه باید به شکلی باشد که منافع بیشتر مردم را در برگیرد، در صورتی که بخش محدودی از جامعه از فرایند توسعه (فرایند تغییر مطلوب) بهره مند شوند، نمی توان آن را توسعه نامید (سالاری سردری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۸). از دیدگاه توسعه پایدار محلی، در محل باید با توجه به توان زیست محیطی، به نیازهای اقتصادی و اجتماعی ساکنان پاسخ گفت (محمد دوغایی، ۱۳۹۲: ۳)

توسعه پایدار فرایندی است به سوی پایداری. این مفهوم را می توان در قالب مفاهیمی چون بازسازماندهی اجتماعی، فرایند تحول به سمت آینده بهتر، درخطرنبودن کیفیت محیط زیست، توانمندسازی مردم، ایجاد ظرفیت های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی ها و اطلاعات تلقی کرد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲) که همگی به نوعی تبیین کننده ایده محوری توسعه پایدار، یعنی برآورده کردن نیازهای نسل حاضر با در نظر گرفتن نیاز نسل های آتی است (WCED, 1987:5).

توسعه پایدار روستایی یعنی نگرشی همه جانبه، سینوپتیکی و فرایندی به تعامل انسان سازمان یافته با محیط زیست خویش (فضای زندگی) که الگوی حاصل از این تعامل در ابعاد سه گانه راهبردی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، در راستای افزایش انتخاب مردم با گسترش دامنه دموکراتیک، تواناسازی آن ها به منظور تصمیم گیری برای شکل دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت ها و ظرفیت های بالقوه، تواناسازی زنان، فقرا و کشاورزان مستقل و آزاد برای سازمان دهی فضای زیست خویش، همچنین تواناسازی برای انجام کار گروهی است، در این صورت توانمندسازی و ظرفیت سازی کانون و هسته مرکزی پارادایم جدید در این تعریف است (کرانول، ۲۰۰۵: ۵۹). توسعه پایدار روستایی فرایندی چندبعدی است که باید از طریق رویکرد پایین به بالا و استفاده پایدار و مشارکتی از منابع محلی تحقق یابد (تیلور، ۲۰۰۲: ۲)؛ از این رو، یکی از مهم ترین اقدامات در راستای نیل به توسعه پایدار جوامع روستایی، تقویت سرمایه

اجتماعی و نهادسازی (ظرفیت‌سازی) بین افراد محلی است. عموماً در دستیابی به توانمندسازی جوامع محلی در راستای تحقق توسعه پایدار محلی، بر سرمایه‌های مختلفی تأکید می‌شود که می‌توان گفت سرمایه یک منبع کلی است که اجتماع، افراد و گروه‌های اجتماعی و در نهایت کل جامعه به منظور تحقق اهداف خود از آن استفاده می‌کنند؛ یعنی ابزارهایی که فرد، گروه، نهاد یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف‌هایش از آن استفاده می‌کند، سرمایه نامیده می‌شود (میرطاهر موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲). یکی از چالش‌های امروز در توسعه روستایی، بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی روستاییان است. شناخت این سرمایه قطعاً روند برنامه‌ریزی را به منظور توسعه روستایی برای متخصصان مربوط تسهیل، و مشارکت آن‌ها را در اجرای بهتر برنامه به دنبال دارد. اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی مردم را به مشارکت و اعتمادپذیری بیشتری در برخورد هایشان تشویق کند و از شرایط انفرادی بیرون آورد (تاج‌بخش، ۱۳۸۹: ۳۷). گفتنی است اعتماد و مشارکت از ابعاد مهم و اساسی در مبحث سرمایه اجتماعی هستند (پرتی و وارد، ۲۰۰۱: ۲۱)، همچنین اعتماد معیار اصلی روابط اجتماعی پایدار است که سبب تسهیل همکاری بین افراد و کاهش هزینه تبادلات می‌شود (استرن و برد، ۲۰۱۳: ۱۷). در دهه‌های گذشته، اعتماد بین ذی‌نفعان فاکتور کلیدی در توسعه پایدار محلی است (کتکوویچ و ویتتر، ۲۰۰۳: ۲۸۹؛ داوونپورت و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۵۷؛ واسکه و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۲۶)، همچنین جزء اساسی سیاست‌گذاری و اجرای موفق پروژه‌های اجتماع‌محور در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی به‌شمار می‌آید (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳؛ پرتی و وارد، ۲۰۰۱: ۲۱۳).

بعد دیگر سرمایه اجتماعی مشارکت است و به معنای حضور، دخالت آگاهانه، داوطلبانه، خلاق و متعهدانه افراد و درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص و اقشار مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های مختلف سازمان‌ها، تشکیلات حرفه‌ای و محلی اجتماع یا منطقه خود است (ارله و کتکوویچ، ۱۹۹۵: ۳۴).

در این راستا و با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی، در این پژوهش به بررسی روابط اعتماد و مشارکت، از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی بین زیرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستای رستم‌آباد علی چارک پرداخته شده است. در این مقاله سعی بر آن است

از طریق روش تحلیل شبکه‌ای، پیوندهای اعتماد و مشارکت در بین زیرگروه‌ها، در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه RFLDL، تحلیل و ارزیابی شود.

چارچوب نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی و انسانی راه‌حلی مناسب برای رسیدن به توسعه عادلانه و پایدار است که موجب افزایش دانش و مهارت، ظرفیت رهبری و انگیزه در بین افراد محلی می‌شود. سرمایه اجتماعی توانایی جامعه محلی در ترغیب افراد به کار جمعی است و از این نظر سبب تولید انواع دیگر سرمایه یا حتی بهبود کیفیت زندگی می‌شود (سلمانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵؛ پرتی ۲۰۰۳: ۲۱۷؛ آن و استروم ۲۰۰۸؛ فوکویاما ۱۹۹۵: ۱۰۱؛ کلمن، ۱۹۸۸: ۹۸؛ پاتنام، ۲۰۰۲: ۶۶۷).

سرمایه اجتماعی مفهومی کلان، و دربرگیرنده ابعادی مانند اعتماد و مشارکت است. این سرمایه از ویژگی خودزایی یا خودمولدی برخوردار است؛ یعنی با استفاده مناسب از آن، زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می‌شود (تنهایی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۱: ۲۹)، همچنین سرمایه اجتماعی موجب فراگیری اعتماد متقابل مردم به یکدیگر می‌شود.

باید توجه داشت که برای تقویت سرمایه اجتماعی تنها منابع درون‌گروهی یا محدود کافی نیست و باید به منابع بیرون از گروه یا سرمایه اجتماعی ارتباطی نیز توجه کرد (غفاری و امید، ۱۳۸۷: ۸۲).

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا میثاقی (به تعبیر پاتنام) مایل است همگنی‌ها را حفظ کند، همچنین برای تقویت پایه و اساس تعامل، خاص و مفید است و سبب تحریک اتحاد می‌شود و مانند چسب در جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری در گروه‌ها به کار می‌آید (پاتنام، ۲۰۰۲: ۷). به‌طور قطع با تقویت این سرمایه و توانمندسازی افراد، کیفیت زندگی نیز افزایش خواهد یافت که همه این عوامل نقش بازدارنده‌ای بر مطروذیت اجتماعی دارد. سرمایه اجتماعی عاملی اساسی در نیل به اهداف توسعه پایدار روستایی به شمار می‌آید (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹) و دو بعد مهم و اساسی آن اعتماد و مشارکت است، اعتماد راهبردی است که افراد می‌توانند به کمک آن خود را با محیط اجتماعی پیچیده وفق دهند و از فرصت‌های فزاینده سود ببرند (ارله و کتکوویچ، ۱۹۹۵: ۳۵)، همچنین یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در شبکه‌های اجتماعی، نقطه آغازین مشارکت و

همکاری و پایه و بستر تمام روابط بین کنشگران است (کارسون و برکس، ۲۰۰۶: ۶۷)، افزون بر این، سبب احساس امنیت و آرامش و تمایل به مشارکت می‌شود. می‌توان گفت اعتماد نتیجه برهم‌کنش‌های اجتماعی موجود در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است؛ از این‌رو می‌توان یکی از عناصر حیاتی و مهم در امر مشارکت است. از سوی دیگر، بی‌اعتمادی مسیرهای ارتباط، سرمایه اجتماعی را دچار فرسایش می‌کند و موجب انزوا، تجزیه، شکست انجمن‌ها و نابودی شبکه‌های بین شخصی می‌شود (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۶). بعد دیگر سرمایه اجتماعی مشارکت است؛ یعنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی معین که در آن پیگیری اقدامات به صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد (شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰: ۴۵). مشارکت، فعالیت ذهنی، عاطفی و رفتاری اشخاص در شرایط گروهی است که آنان را برمی‌انگیزاند برای دستیابی به هدف‌های مشترک به یکدیگر کمک کنند و در مسئولیت امور شریک شوند. مشارکت یکی از نتایج مهم سرمایه اجتماعی و به‌مثابه کانالی است که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان و بزرگ‌تر تصمیم‌گیری دست یابند. مشارکت از نظر گائوتری «فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش خود در جامعه است» (گائوتری، ۱۹۸۶: ۸۶). رابرت پاتنام معتقد است آنچه سبب افزایش مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی به‌وجود می‌آید. مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که دربرگیرنده انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور شرکت در تعیین سرنوشت خود و جامعه، و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (عوض‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷). گفتنی است بدون مشارکت، راهبردهای توسعه، غیر مردمی و بی‌نتیجه خواهد بود (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶).

روش‌شناسی

در این مقاله، روابط اعتماد و مشارکت، از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی در بین کنشگران شبکه (اعضای گروه‌های خرد توسعه روستایی) در مراحل مختلف قبل و بعد از اجرای پروژه RFLDL تحلیل و ارزیابی شده است. در ابتدا با استفاده از روش پیمایشی و مشاهده مستقیم و مصاحبه با افراد، مردم گروه‌های خرد توسعه را که شامل ۹ گروه هستند در انتخاباتی محلی

تعیین کردند، گروه‌ها نیز پس از تدوین پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای به تکمیل آن پرداختند. به‌منظور بررسی روابط درون‌گروهی و سنجش میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در روستای مورد نظر، میزان روابط اعتماد و مشارکت در بین اعضای گروه‌ها در یک شبکه تحلیل شد. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر شبکه کامل، و رویکرد و روش تحقیق بر مبنای روش تحلیل شبکه است تا بتوان با استفاده از آن اثربخشی پروژه مورد نظر را در طول زمان از نگاه اجتماعی بررسی کرد.

روش تحلیل شبکه

تحلیل شبکه اجتماعی رویکردی جامعه‌شناختی است که در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منابع طبیعی و مطالعه سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی در چند سال اخیر مدنظر محققان قرار گرفته است (بادین و پرل، ۲۰۱۱: ۲۳؛ پرل و همکاران، ۲۰۰۹: ۵۱۳)، همچنین ابزاری مناسب برای کمی‌سازی روابط بین کنشگران مختلف (بهره‌برداران و سازمان‌های دولتی) به‌شمار می‌آید. در پایان نیز داده‌های جمع‌آوری‌شده پژوهش حاضر در نرم‌افزار UCINET نسخه ۶/۵۰۷ تحلیل شده و ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی-سیاستی در توانمندسازی جوامع محلی و مدیریت جامع سرزمین است (قربانی، ۱۳۹۴: ۳۸). در ادامه برخی شاخص‌هایی که مطابق اهداف تعریف‌شده این پژوهش اندازه‌گیری شده است بیان می‌شود.

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان ریگان با وسعتی حدود ۸۵۸ هزار و ۴۰۰ هکتار در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده و تحت پوشش پروژه بین‌المللی RFLDL است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های فهرج و نرماشیر، از جنوب به رودبار از شرق به استان سیستان و بلوچستان و از غرب به شهرستان‌های بم و عنبرآباد محدود شده است. ریگان دو بخش مرکزی و گنبدکی دارد که شامل یک مرکز شهری، دو بخش، چهار دهستان و ۲۶۲ روستا با مجموع جمعیت ۶۶ هزار و ۳۲۵ نفر است. در بیشتر ایام سال هجوم شن‌های روان سبب آسیب‌رسانی به خانه‌ها، مزارع، باغ‌ها و جاده‌های شهرستان می‌شود و به

جدول ۱. شاخص‌های تحلیل شبکه‌ای در راستای سنجش اعتماد و مشارکت

شاخص	تعریف
تراکم شبکه ^۱	این شاخص به صورت نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن تعریف می‌شود و معرف میزان همبستگی شبکه است. تراکم شبکه محدوده‌ای بین صفر و ۱۰۰ درصد است (راسخی، ۱۳۹۳: ۳۵). تراکم بالا در شبکه، میزان بیشتر انسجام در شبکه را نشان می‌دهد؛ زیرا بیشتر بودن تراکم افزایش اعتماد و تسهیل در اشتراک‌گذاری اطلاعات و منابع، همچنین افزایش مشارکت و همکاری بین ذی‌نفعان را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، میزان سرمایه اجتماعی بیشتر می‌شود و فعالیت‌های مشارکتی تسهیل می‌یابد (لینرت و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۳۹؛ نوبگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۹).
دوسویگی پیوندها در شبکه ^۲	به منظور میزان پایداری شبکه روابط و میزان متقابل بودن پیوندهای اعتماد و مشارکت از این شاخص استفاده می‌شود. هرچه میزان این شاخص در شبکه روابط بیشتر باشد، بیانگر بیشتر بودن میزان روابط متقابل سازنده بین افراد حاضر در شبکه است و پایداری شبکه روابط را تضمین می‌کند، همچنین میزان بالای دوسویگی پیوندها در شبکه، سبب افزایش سرمایه اجتماعی شبکه خواهد شد و میزان تاب‌آوری سیستم اجتماعی در مقایسه با تغییرات و تنش‌های محیطی افزایش خواهد یافت (لهی و اندرسون، ۲۰۰۸: ۱۰۳).
انتقال یافتگی پیوندها در شبکه ^۳	مفهوم این شاخص بیان می‌کند که اگر کنشگر A یک پیوند با کنشگر B، و کنشگر B یک پیوند با کنشگر C داشته باشد، شاخص انتقال یافتگی فرصت و شانس است که سبب می‌شود کنشگر A با C پیوند برقرار کند (هنمن و ریڈل، ۲۰۰۵: ۵۴). این شاخص نیز برای تحلیل میزان پایداری و میزان توازن و تعادل روابط در یک شبکه به کار می‌رود و به صورت درصد نمایش داده می‌شود. هرچه روابط سه‌گانه میان بهره‌برداران بیشتر باشد، شبکه متعادل‌تر و متوازن‌تر، و شکنندگی آن کمتر خواهد بود. در واقع، هرچه میزان انتقال یافتگی پیوندها بیشتر باشد، نشان‌دهنده استحکام و پایداری بیشتر روابط در شبکه و استواری و شکنندگی در مواقع بحرانی است (رحیمی بالکانلو، ۱۳۹۳: ۳۸).
کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر ^۴	این شاخص نشان‌دهنده میزان کوتاه‌ترین مسیر بین دو جفت کنشگر براساس پیوندهای اعتماد و مشارکت است (اسکات، ۲۰۰۰: ۳۹). هرچه میزان این شاخص بیشتر باشد سرعت گردش و پخش اعتماد، همچنین پیوندهای مشارکتی بین افراد و میزان اتحاد و یگانگی در جامعه بیشتر می‌شود؛ بنابراین به زمان کمتری برای اعتمادسازی در شبکه نیاز است و هماهنگ کردن افراد در شبکه برای اجرای مدیریت مشارکتی با زمان کمتری روبه‌رو خواهد شد (سالاری، ۱۳۹۳: ۹۴).

همین دلیل تعدادی از روستاها مجبور به ترک سکنه و در واقع مرگ خاموش شده‌اند. افزون بر آنچه گفته شد اقلیم منطقه نیز براساس روش دو ماراتن فراخشک است.

معرفی پروژه بین‌المللی RFLDL در استان کرمان

پروژه احیای اراضی جنگلی و تخریب‌یافته با تأکید ویژه بر اراضی حساس به فرسایش بادی و خاک‌های شور (RFLDL) اقدامی مشترک بین سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور،

1. Desity
2. Reciprocity
3. Transitivity
4. Geodesic Distance

تسهیلات جهانی زیست‌محیطی (GEF) و سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) است. متصدیان و ذی‌نفعان اصلی این پروژه نیز جوامع محلی و مردم ساکن حوضه‌های آبخیز پایلوت پروژه (تعدادی از روستاهای استان خراسان جنوبی و کرمان) هستند. وجه تمایز این پروژه داشتن اولویت ملی و تعریف‌شدن براساس نیازهای مردم محلی است. باید توجه داشت که پروژه مکانیسمی را ایجاد خواهد کرد که مطابق آن مشکلات محلی در تدوین سیاست‌های ملی انعکاس خواهد داشت و از سوی دیگر اهداف سیاست‌های ملی در سطح محلی به‌کار برده خواهد شد. یکی از اقدامات اساسی در این پروژه ظرفیت‌سازی و نهادسازی گروهی میان ذی‌نفعان محلی در منطقه مورد نظر بوده که راه‌اندازی کمیته‌های خرد توسعه از اقدامات اساسی در راستای بسیج جامعه محلی به‌شمار می‌آمده است (کارگر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰).

یافته‌ها

تحلیل ساختاری پیوندهای اعتماد و مشارکت بین زیرگروه‌های روستای

رستم‌آباد علی‌چارک در سطح کلان شبکه

با توجه به اهمیت نقش ذی‌نفعان محلی در مدیریت یکپارچه سرزمین و دستیابی به توسعه پایدار محلی، با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی به بررسی ساختاری پیوندهای مختلف اجتماعی از جمله اعتماد بین شخصی و مشارکت بین ذی‌نفعان محلی در روستای رستم‌آباد علی‌چارک پرداخته و در سطح کنشگران محلی پیوندهای مختلفی بررسی و تحلیل شده است؛ زیرا در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدیریت مشارکتی و مدیریت یکپارچه سرزمین، بررسی پیوندها و ذی‌نفعان مختلف درگیر در این فرآیند ضروری است تا بتوان برای رسیدن به پایداری اکولوژیکی و انسانی سیاست‌گذاری بهینه را انجام داد. در شبکه ذی‌نفعان محلی پیوندهای اعتماد و مشارکت براساس مبانی نظری پژوهش و اهمیت برخی مؤلفه‌های اجتماعی در مدیریت یکپارچه سرزمین و در راستای توسعه پایدار روستایی، به‌عنوان جزء اساسی مدیریت مشارکتی یکپارچه سرزمین سنجش شده است.

شاخص تراکم (میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی) در بین زیرگروه‌های

روستای رستم‌آباد علی‌چارک در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه

ذی‌نفعان محلی در روستای رستم‌آباد علی‌چارک در مجموع در غالب ۹ گروه فعالیت می‌کنند که شامل گروه «شهید افرا»، «کربلا ۱»، «کربلا ۲»، «کربلا ۳»، «محمد رسول‌الله»، «فاطمه زهرا»، «وحدت»، «علی بن ابی‌طالب» و «صاحب‌الزمان» است. به‌منظور بررسی شاخص‌های مختلف در سطح کلان، هریک از گروه‌های مذکور در قالب یک شبکه در نظر گرفته و سنجیده می‌شوند. این بررسی و سنجش در دو مرحله پیش قبل از اجرا و بعد از اجرای پروژه صورت گرفته است.

در اولین گام به بررسی شاخص تراکم در سطح زیرگروه‌های روستای رستم‌آباد علی‌چارک پرداخته شد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد نحوه عملکرد پروژه RFLDL، سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت و همکاری میان کنشگران را افزایش داده است، البته در برخی از گروه‌ها انسجام اجتماعی در پیوندهای اعتماد و مشارکت در حد کم و ضعیف گزارش شده که این مهم چالش بزرگی در مسیر دستیابی به توسعه پایدار روستایی در منطقه است که پس از اجرای پروژه این میزان افزایش یافته است. در واقع، این پروژه با افزایش روابط و اعتمادسازی میان کنشگران بر میزان سرمایه اجتماعی منطقه افزوده که نتیجه آن افزایش توانمندی کنشگران در جامعه روستایی و تحقق توسعه پایدار است.

نتایج به‌دست‌آمده از روستای رستم‌آباد علی‌چارک بیانگر این است که میانگین تراکم در پیوند اعتماد در مرحله پیش از اجرا برابر با ۴۴/۱ درصد بوده است که این میزان در مرحله دوم پایش، و پس از اجرای پروژه به ۶۸ درصد افزایش یافته است، همچنین میزان تراکم در پیوند مشارکت در مرحله پیش از اجرا برابر با ۴۳/۴۶ درصد بوده که پس از اجرا به ۷۵ درصد رسیده است. براساس نتایج حاصل می‌توان گفت تراکم پیوندهای اعتماد و همکاری طی دو مرحله پایش، افزایش یافته است، همچنین وضعیت انسجام اجتماعی از حالت متوسط به حالت خوب تغییر یافته و بدین ترتیب بر میزان سرمایه اجتماعی کنشگران نیز افزوده شده است. پروژه RFLDL با حرکت در مسیر افزایش تعداد پیوندهای اعتماد و مشارکت، انسجام اجتماعی و به‌تبع آن سرمایه اجتماعی بستری مناسب برای تحقق مطلوب توسعه پایدار روستایی را محقق کرده است.

میزان دوسویگی و انتقال یافتگی پیوندها در بین زیرگروه‌های روستای رستم آباد علی چارک

نتایج جدول ۲ میزان دوسویگی و انتقال یافتگی پیوندهای اعتماد و مشارکت را میان زیرگروه‌های مختلف در روستای رستم آباد علی چارک در مرحله پایش قبل از اجرای پروژه و بعد از اجرای آن نشان می‌دهد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، شاخص دوسویگی پیوندها نشان‌دهنده میزان نهادینه شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت و پابندی به هنجارها و عرف‌های محلی میان ذی‌نفعان و در نتیجه پایداری شبکه است؛ بنابراین، به منظور دستیابی به مدیریت یکپارچه سرزمین در زمان و با هزینه کمتر، باید تلاش کرد میزان پایداری و دوسویگی روابط در شبکه‌های اجتماعی مورد نظر حفظ شود. گفتنی است افزایش میزان روابط دوسویه، زمینه کاهش اختلافات و تنازعات اجتماعی را فراهم می‌کند.

با توجه به جدول ۲ تغییرات چشمگیر نتایج دو مرحله نشان می‌دهد نهادینه کردن اعتماد و مشارکت در میان کنشگران، به خوبی در پروژه انجام شده است، البته با توجه به نتایج، در شبکه اعتماد کنشگران وضعیت کلی پایداری زیاد، اما در شبکه همکاری در حالت کلی همچنان در وضعیت پایداری متوسط رو به زیاد است؛ از این رو تقویت پیوندها در دو شبکه مورد بررسی به ویژه در شبکه مشارکت ضروری است.

از دیگر شاخص‌های مورد نظر شاخص انتقال یافتگی است که افزایش میزان آن از ضروریات در راستای دستیابی به شبکه پایدار با تاب‌آوری بالاست. همان‌گونه که پیش از این گفته شد این شاخص در واقع روابط سه‌گانه و مثلثی، و تعادل و توازن را در شبکه نشان می‌دهد و هرچه اندازه این شاخص در شبکه‌ای بیشتر باشد آن شبکه متعادل‌تر، و شکنندگی آن در مقابل تغییرات و بحران‌های احتمالی به وجود آمده کمتر است.

با توجه به نتایج جدول ۲ و با مقایسه نتایج دو مرحله پایش می‌توان گفت که پروژه، روند مثبت و روبه‌رشدی را طی کرده است و میزان تعادل و پایداری روابط در شبکه افراد افزایش یافته و شبکه‌ای متعادل ایجاد شده است که روح تعاون و همکاری در آن قرار گرفته است.

جدول ۲. اندازه شاخص تراکم و دوسویگی و انتقال یافتگی پیوندها در سطح زیرگروه‌های روستای

رستم آباد علی چارک

مرز اکولوژیک	نام گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	مرحله قبل از اجرای پروژه			مرحله بعد از اجرای پروژه		
				دوسویگی (%)	انتقال یافتگی (%)	تراکم (%)	دوسویگی (%)	انتقال یافتگی (%)	تراکم (%)
رستم آباد علی چارک	شهید افرا	اعتماد	۱۷	۲۲/۸۳	۲۱/۰۹	۳۰/۹	۶۵/۶۰	۵۷/۱۷	۵۵/۱
		مشارکت	۱۷	۱۵/۰۷	۲۰	۳۵/۱۴	۳۱/۵۳	۷۶/۱	
	کربلا ۱	اعتماد	۱۶	۴۳/۸۲	۳۶/۶۸	۵۳/۳	۵۹/۴۶	۵۳/۴۴	۷۲/۸
		مشارکت	۱۶	۳۴/۴۴	۳۲/۵۴	۵۰/۴	۷۱/۷۹	۶۸/۵۳	۸۳/۷
	کربلا ۲	اعتماد	۲۰	۲۹/۵۸	۳۰/۸۴	۴۸/۴	۵۸/۱۸	۴۸/۶۲	۶۸/۷
		مشارکت	۲۰	۳۴/۳۱	۳۱/۳۷	۴۸/۴	۵۵/۶۲	۷۲/۹	
	کربلا ۳	اعتماد	۹	۵۷/۸۹	۳۷/۰۳	۴۱/۷	۶۶/۶۷	۴۶/۲۹	۶۹/۴
		مشارکت	۹	۶۰	۳۹/۶۸	۴۴/۴	۷۹/۴۱	۶۴/۲۱	۸۴/۷
	محمد رسول الله	اعتماد	۱۸	۳۹/۲۲	۲۹/۳۱	۴۶/۴	۵۵/۸۱	۴۹/۰۱	۶۹/۳
		مشارکت	۱۸	۲۹/۲۹	۲۶/۷۹	۴۱/۸	۵۴/۴۱	۵۰/۹۲	۶۸/۶
	فاطمه زهرا	اعتماد	۱۳	۲۷/۲۷	۲۴/۲۵	۳۵/۹	۶۱/۵۴	۵۲/۸۲	۶۷/۳
		مشارکت	۱۳	۲۳/۲۱	۲۷/۳۸	۴۴/۲	۶۰/۵۶	۶۱/۰۸	۷۳/۱
	وحدت	اعتماد	۱۵	۴۵/۹۵	۳۶/۴۲	۵۱/۴	۶۱/۴۶	۴۹/۹۱	۷۳/۸
		مشارکت	۱۵	۳۳/۳۳	۲۸/۴۵	۴۵/۷	۵۵/۸۱	۵۴/۰۱	۷۵/۷
	علی بن ابی طالب	اعتماد	۲۱	۴۲/۶۸	۳۲/۸۳	۵۵/۷	۶۵/۶۷	۵۶/۶۹	۷۹/۳
		مشارکت	۲۱	۴۱/۴۵	۲۷/۰۳	۵۱/۲	۶۰/۹۱	۴۹/۹۰	۷۵/۵
	صاحب الزمان	اعتماد	۲۰	۱۸/۵۶	۲۱/۱۶	۳۳/۶	۵۷/۰۴	۴۳/۴۸	۶۲
		مشارکت	۲۰	۱۶	۱۶/۲۵	۲۵/۴	۵۶/۳۴	۴۷/۴۷	۶۴/۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت میان زیرگروه‌های روستای رستم‌آباد علی چارک

هرچه میزان میانگین کوتاه‌ترین مسیرها کاهش یابد، سرعت گردش اعتماد و مشارکت بین ذی‌نفعان بیشتر می‌شود و اتحاد و یگانگی بین افراد افزایش می‌یابد، در نتیجه افراد با سرعت بیشتر و در زمان کوتاه‌تری به یکدیگر دسترسی خواهند داشت که این امر در افزایش اعتماد میان کنشگران اهمیت بسزایی دارد؛ از این رو در راستای پایش و ارزیابی عملکرد پروژه RFLDL، این شاخص در دو مرحله قبل از اجرا و بعد از اجرای پروژه برای پیوندهای اعتماد و مشارکت و در سطح زیرگروه‌های روستای رستم‌آباد علی چارک بررسی شده است. با توجه به نتایج جدول ۳ فعالیت‌های انجام‌شده در قالب پروژه RFLDL موجب افزایش میزان اتحاد و یگانگی زیرگروه‌ها می‌شود، در نتیجه افراد با سرعت بیشتری با یکدیگر مرتبط می‌شوند و برای کاربردی کردن فرایندهای جمعی زمان کمتری را صرف می‌کنند، در نهایت نیز اعتمادسازی و همکاری با سرعت بیشتری رخ می‌دهد. در نهایت با توجه به افزایش اتحاد و یگانگی زیرگروه‌های مورد بررسی می‌توان بیان کرد که در روستای رستم‌آباد دستیابی به توسعه پایدار در زمان کمتری خواهد شد.

جدول ۳. شاخص میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت در زیرگروه‌های روستای رستم‌آباد در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه

مرکز اکولوژیک	نام گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه
روستم‌آباد علی چارک	شهید افرا	اعتماد	۱۷	۱/۸۵	۱/۴۵
		مشارکت	۱۷	۱/۶۳	۱/۲۳
	کربلا ۱	اعتماد	۱۶	۱/۳۹	۱/۲۶
		مشارکت	۱۶	۱/۴۹	۱/۱۶
	کربلا ۲	اعتماد	۲۰	۱/۵۰	۱/۳۱
		مشارکت	۲۰	۱/۵۱	۱/۲۷

ادامه جدول ۳. شاخص میانگین فاصله ژئودزیک پیوند اعتماد و مشارکت در زیرگروه‌های روستای رستم‌آباد در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه

مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه	تعداد افراد	نوع پیوند	نام گروه	مرز اکولوژیک
میانگین فاصله ژئودزیک	میانگین فاصله ژئودزیک				
۱/۳۰	۱/۸۴	۹	اعتماد	کربلا ۳	
۱/۱۵	۱/۵۳	۹	مشارکت		
۱/۳۱	۱/۶	۱۸	اعتماد	محمد رسول‌الله	
۱/۳۳	۱/۶۹	۱۸	مشارکت		
۱/۳۳	۱/۷۲	۱۳	اعتماد	فاطمه زهرا	
۱/۲۲	۱/۴۳	۱۳	مشارکت		
۱/۲۶	۱/۴۲	۱۵	اعتماد	وحدت	
۱/۲۴	۱/۵۸	۱۵	مشارکت		
۱/۲۰	۱/۴۱	۲۱	اعتماد	علی بن ابی‌طالب	
۱/۲۴	۱/۴۸	۲۱	مشارکت	صاحب‌الزمان	
۱/۳۸	۱/۸۶	۲۰	اعتماد		
۱/۴۱	۱/۶۱	۲۰	مشارکت		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

بحث و نتیجه‌گیری

روستاها یکی از مهم‌ترین عناصر ساختار اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی سکونتگاه‌های انسانی کشورند که توجه به توسعه آن‌ها در فرایند توسعه ملی، بسیار اساسی و کلیدی است؛ زیرا به دلیل داشتن حجم عظیمی از منابع طبیعی و منابع انسانی کشور، نقش مهمی در برقراری تعادل‌های فضایی ایفا می‌کنند، به همین دلیل توجه به جایگاه روستاها در فرایند برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و تقویت جایگاه روستاها، کمک‌کننده و تسریع‌کننده روند

توسعه ملی است. در این بین، وجود مشکلات زیر و تشدید آن‌ها در چند دهه اخیر، گویای آسیب‌پذیری و آسیب‌دیدگی روستا و روستاییان است:

۱. آسیب‌پذیری شدید محیط‌های روستایی از پدیده‌های طبیعی و غیرطبیعی (انسانی، فناوری و مدیریتی)؛

۲. برنامه‌ریزی در حوزه‌های اقتصادی (کم‌بودن سطح درآمد، کمبود فرصت‌های شغلی، غیراقتصادی بودن فعالیت‌های تولیدی، نبود انگیزه و منابع برای سرمایه‌گذاری و...) و اجتماعی (مهاجرت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، اختلاف میان کیفیت زندگی در شهر و روستا، کم‌رنگ‌شدن هویت روستایی و بومی و تمایل‌نداشتن جوانان به ابراز هویت روستایی و...) (قدیری و نجفی، ۱۳۸۲: ۱۱۷)؛

با توجه به آنچه بیان شد توسعه روستایی ابزاری برای کمک به روستاییان به‌منظور اولویت‌بندی نیازهایشان با بهره‌گیری از سازمان‌های بومی و مؤثر است (مادو، ۲۰۰۷: ۱۱۱). یکی از چالش‌های امروز در توسعه روستایی، بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی روستاییان است که شناخت آن قطعاً روند برنامه‌ریزی را به‌منظور توسعه روستایی برای متخصصان مربوط تسهیل و مشارکت روستاییان را در اجرای بهتر برنامه همراه دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰). در واقع، در راستای تحقق توسعه پایدار روستایی، بر سرمایه‌های مختلفی تأکید می‌شود، مهم‌ترین این سرمایه‌ها سرمایه اجتماعی است که بر روند توسعه تأثیرگذار است و از آن تأثیر می‌پذیرد، همچنین قابلیت و کارایی بالای این سرمایه در تبیین و حل مسائل و مشکلات پیش روی جامعه بشری زمینه را برای نیل به پایداری فراهم می‌کند (امین بیدختی و شریفی، ۱۳۹۳: ۶۵۷). به‌طورکلی موضوع اعتماد و مشارکت (دو بعد مهم و اساسی سرمایه اجتماعی) از موضوعات پراهمیت و ویژه در توسعه و برنامه‌ریزی جوامع روستایی است. ایجاد توسعه پایدار روستایی در جوامعی با سرمایه اجتماعی غنی به سهولت انجام می‌شود، در این زمینه در تحقیقات مختلف نیز تأکید بر وجود رابطه مستقیم میان میزان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار روستایی شده است (سالاری، ۱۳۹۳: ۸۹؛ رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۵۲؛ قربانی، ۱۳۹۴: ۲۸۹). ارزش‌های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی و توانمندسازی افراد جامعه، به‌ویژه در تأمین نیازهای اساسی طبقات آسیب‌پذیر و تلاش برای رفع اختلافات طبقاتی در

جامعه و رشد و آگاهی و امنیت اجتماعی عمومی جست‌وجو کرد (کاظمیان و شفیعا، ۱۳۹۳: ۵۰).

در این پژوهش پایش و ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بین اعضای گروه‌های خرد توسعه روستای رستم‌آباد از توابع شهرستان ریگان که تحت پوشش پروژه RFLDL است، از طریق بررسی و تحلیل دو پیوند اعتماد و مشارکت اجتماعی و سنجش شاخص‌های سطح کلان شبکه چون تراکم، دوسویگی پیوندها، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی صورت گرفته است. نتایج پایش و ارزیابی بر روند صعودی و رو به رشد شاخص‌های یادشده در بعد از اجرای پروژه دلالت دارد که می‌توان آن را به اجرای پروژه RFLDL و تأثیر آن در این زمینه نسبت داد. میزان تراکم در پیوندهای اعتماد و مشارکت و در نتیجه سرمایه اجتماعی در حد متوسط بوده که با تشکیل گروه‌های خرد توسعه این میزان افزایش یافته است. اعتماد و مشارکت بین اعضای گروه‌ها در روستای رستم‌آباد به افزایش ارتباطات و تعاملات میان آن‌ها منجر شده است و داده‌ها و اطلاعات در میان افراد سریع‌تر به جریان درمی‌آید، همچنین گردش دانش و تجربیات اعضا در نتیجه ارتباطات مستمر و پایدار مبتنی بر اعتماد سبب افزایش انسجام و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌شود که ارتقا و نوآوری گروهی و کارآفرینی را به دنبال خواهد داشت که خود زمینه‌ساز توسعه پایدار روستایی است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵؛ قربانی ۱۳۹۴ ب: ۸۹؛ سالاری ۱۳۹۳: ۸۹؛ رحیمی ۱۳۹۳: ۹۳؛ علی بابایی و همکاران. ۱۳۹۴؛ دیویس و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۷۵۹؛ بالت و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۶۳؛ پترو و داسکالوپولو، ۲۰۱۳: ۵۲؛ پرتی، ۲۰۰۳: ۲۱۷). در چنین شرایطی افراد فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی برابری دارند و در این شرایط مطروودیت و محرومیت اجتماعی اتفاق نخواهد افتاد.

بررسی شاخص دوسویگی نشان می‌دهد تقویت پیوندهای اعتماد و مشارکت متقابل میان سرگروه‌های این روستا و نهادینه‌شدن این پیوندها در بین افراد الزامی است؛ زیرا وجود اعتماد و مشارکت متقابل سبب ایجاد شبکه‌ای پایدار می‌شود که در آن روح اعتماد، همکاری و تعاون، همچنین پایبندی به سنت‌ها و عرف‌های محلی در بین افراد نهادینه می‌گردد. همچنین این امر به افزایش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود و برنامه‌ریزی مشارکتی در راستای توسعه

پایدار روستایی با هزینه و زمان کمتری همراه است و سبب تقویت فرایندهای مشارکتی در برنامه‌ریزی‌های مربوطه خواهد شد، همچنین تا حد زیادی تنازعات و شکایت‌های اجتماعی در بین افراد را کاهش خواهد داد (قربانی، ۱۳۹۴، الف: ۸۳؛ سالاری ۱۳۹۳: ۸۹؛ و پلیکرت و همکاران، ۲۰۰۷: ۴۱۷). در ادامه، نتایج شاخص میانگین فاصل زئودزیک نشان از کاهش این فاصله در پیوندهای اعتماد و مشارکت در مراحل بعد از اجرای پروژه دارد. بر اساس این با کاهش میزان این شاخص افراد در کمترین زمان ممکن و بالاترین سرعت با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و به دلیل اتحاد و یگانگی زیاد در بین آنان، بسیج منابع اجتماعی با سرعت بیشتری در دسترس قرار می‌گیرد، همچنین تحقق سرمایه و توانمندی اجتماعی و به‌دنبال آن رسیدن به توسعه پایدار نیز در زمان کوتاهی صورت می‌گیرد (سالاری، ۱۳۹۳: ۱۸۴؛ رحیمی بالکانلو، ۱۳۹۳: ۱۵۲). میانگین فاصله زئودزیک با توجه به اهمیت زمان و سرعت هماهنگ‌کردن بهره‌برداران در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و به‌ویژه مشارکت برای افزایش سرعت گردش این پیوند در بین افراد و کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین بهره‌برداران در راستای تحقق توسعه پایدار محلی بسیار مهم است. با توجه به ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی در دو مرحله قبل و بعد از پروژه می‌توان ادعا کرد که اجرای پروژه RFLDL در اعتمادسازی برای تقویت روحیه مشارکت و همکاری بین اعضای گروه‌های خرد توسعه روستای رستم‌آباد علی‌چارک و در نتیجه ایجاد بستر مناسب برای دسترسی به توسعه پایدار محلی موفقیت‌آمیز بوده است.

در نهایت می‌توان بیان کرد در راستای توسعه پایدار روستایی به شناخت موانع و چالش‌های پیش رو نیاز است. از جمله عوامل مؤثر در این توسعه می‌توان به سرمایه اجتماعی در دو بعد درون و برون‌گروهی اشاره کرد که استعدادی نهفته در شبکه‌های اجتماعی است که زمینه برقراری مشارکت و کاهش هزینه‌های عمومی را فراهم می‌کند. شناخت و استفاده آگاهانه از سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی فرصتی برای ایجاد ظرفیت در جهت مشارکت در توسعه پایدار است (شفیعا، ۱۳۸۹: ۳۸). در این مقاله بر بعد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به‌عنوان عامل مؤثر بر تقویت و حفظ اتحاد و وفاداری در بین افراد تأکید شده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). به‌طورکلی، برای دستیابی به موفقیت در توسعه پایدار روستایی

به تقویت سرمایه اجتماعی از طریق تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی و به دنبال آن افزایش انسجام اجتماعی نیاز است. تشکیل کمیته‌های خرد توسعه روستایی از جمله راهکارهای افزایش تقویت اعتماد و مشارکت در بین افراد و ارتقای سرمایه اجتماعی است؛ به طوری که سرمایه اجتماعی در قالب تشکلهای محلی سبب کاهش فقر و افزایش رفاه جامعه می‌شود که خود بسترساز رسیدن به توسعه پایدار روستایی است (شیروانیان و نجفی، ۱۳۹۰: ۲۵).

منابع

- امین بیدختی، علی‌اکبر و شریف، نوید (۱۳۹۴)، «سرمایه اجتماعی در عید نوروز و پیش از آن»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۴: ۶۴۷-۶۶۷.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: انتشارات نشر و پژوهش، شیرازه، ۷۰۴ صفحه.
- تنهایی، حسین و حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۱)، «بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در ایران»، *فصلنامه علوم رفتاری*، شماره ۲: ۲۹-۵۲.
- دوغایی، محمد (۱۳۹۲)، «راهکارهای انگیزشی مشارکت مردم در توسعه پایدار محله‌ای»، *کنگره معماری، برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار*، (ایران، مشهد): ۶.
- رحیمی بالکانلو، خدیجه (۱۳۹۳)، «امکان‌سنجی ارزیابی پایداری سرزمین با استفاده از تلفیق تحلیل شبکه اجتماعی و تحلیل عملکرد چشم‌انداز (LFA) (منطقه مورد مطالعه: استان سمنان)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- ریاحی، وحید و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی و ارزیابی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین روستاییان (مطالعه موردی، منطقه اورامانات استان کرمانشاه)»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، شماره ۱: ۴-۲۴.

- سالاری سردری، فرضعلی؛ بیرانونزاده، مریم و علیزاده، سید دانا (۱۳۹۱)، «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های شهری و روستایی منطقه عسلویه)»، فصلنامه هویت شهر، شماره ۱۹: ۷۷-۸۸.
- سالاری، فاطمه (۱۳۹۳)، «مدلسازی و تحلیل شبکه تصدی‌گری منابع آب در حوضه‌های آبخیز (مطالعه موردی: حوزه آبخیز رزین در استان کرمانشاه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
- سلمانی، محمد و همکاران (۱۳۸۷)، «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت مدنی، تعامل اجتماعی و اعتماد) در توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستاهای باغستان و برون، شهرستان فردوس)»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۲: ۲۳-۴۵.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸: ۴۲-۵۵.
- شفیعا، سعید (۱۳۸۹)، «رابطه ظرفیت اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با توسعه پایدار محلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.
- شفیعا، سعید و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساکنان با پایداری توسعه در محله غیررسمی شمیران نو»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲: ۱-۲۴.
- شفیعی، مهدی و همکاران (۱۳۹۲)، مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، مشهد: انتشارات شعرا.
- شیروانیان، عبدالرسول و نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۹۰)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رفاه و کاهش فقر روستایی؛ مطالعه موردی: محدوده شبکه آبیاری و زه‌کشی درودزن»، مجله اقتصاد کشاورزی، شماره ۳: ۲۵-۳۵.
- صالحی شانجانی، پروین (۱۳۸۴)، «رویکرد حفاظتی به منابع ژنتیکی جنگل‌های شمال کشور»، فصلنامه جنگل و مرتع. شماره ۶۸ و ۶۹: ۶۰-۶۷.

- علی بابایی و همکاران (۱۳۹۴)، «پایش اجتماعی: تحلیل سرمایه اجتماعی در مدیریت پایدار منابع جنگلی (مطالعه موردی: روستای کدیر، استان مازندران)»، *مجله علمی-پژوهشی جنگل و فرآورده‌های چوب* (پذیرش چاپ).
- عوض‌پور، لیلا (۱۳۹۵)، «نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای تاب‌آوری بهره‌برداران در مواجهه با گرایش منفی وضعیت مرتع (منطقه مورد مطالعه: شهرستان میامی، استان سمنان)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۷)، *کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی*، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۴)، «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۱۷: ۳۳-۵۶.
- قدیری معصوم، محمد و نجفی، آسیه (۱۳۸۲)، «طرح‌های توسعه پایدار قبل از انقلاب اسلامی در ایران و تأثیر آن بر مناطق روستایی»، *مجله تحقیقات جغرافیا*، شماره ۳۵: ۱۱۱-۱۲۱.
- قربانی، مهدی (۱۳۹۱)، «نقش شبکه‌های اجتماعی در سازوکارهای بهره‌برداری از مرتع (مطالعه موردی: منطقه طالقان)»، رساله دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
- قربانی، مهدی و همکاران (۱۳۹۲)، «تحلیل سیستم شبکه اجتماعی در مدیریت مشارکتی مرتع (مطالعه موردی: منطقه طالقان، روستای ناریان)»، *مجله مرتع*، شماره ۷: ۴۷-۸۵.
- قربانی، مهدی (۱۳۹۴ الف)، *الگوی ایرانی مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی با رویکرد شبکه اجتماعی*، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
- (۱۳۹۴ ب)، *تحلیل و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی-سیاستی شکل‌های مردمی، نهادها و صندوق‌های توسعه پایدار جوامع محلی (استان خراسان جنوبی، شهرستان سرایان، پروژه بین‌المللی RFLDL)*.

- کارگر، عباس و همکاران (۱۳۹۴)، گزارش اجرایی پروژه بین‌المللی احیای اراضی جنگلی و تخریب یافته (RFLDL)، بیرجند: نشر چهار درخت.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۶۷-۹۲.
- Ahn, T.K., and Ostrom, E. (2008), **Social Capital in Collective Action. In the Handbook of Social Capital**, Edited by Dalio Castiglione, Jan W. van Deth. And Guglielmo Wolleb, 70-100, Oxford: Oxford University Press.
- Ballet, J., Sirven, N. and Requier-Desjardins, M. (2007), "Social Capital and Natural Resource Management", **The Journal of Environment and Development**, No.4: 355-374.
- Bodin, O., and Prell, C. (2011), **Social network in natural resources management**, Cambridge University Press.
- Bullen, P. and Onyx, J (1999), "Social Capital: Family Support Services and Neighbourhood and Community Center in New South Wales, Family Support Services Association and Sydney", Available at: <http://www.mapl.com.au/A12.htm>.
- Carlsson, L. Berkes, F. (2005), Co-management: concepts and methodological implications, **Journal of Environmental**, No. 75: 65-76
- Coleman, J. (1988), "Social capital and the creation of human capital", **American Journal of Sociology**, No. 94: 95-120.
- Cranwell, M. R., Kolodinsky, J. M. and Donnelly, C. W. (2005), "A Model Food Entrepreneur Assistance and Education Program: the Northeast Center for Food Entrepreneurship", **Journal of Food Science Education**, No. 4: 56-65.
- Cvetkovich G. and Winter P. L. (2003), "Trust and social representations of threatened and endangered species". **Environment and Behavior**, No. 2: 286-307.
- Jakes, P.J. (2007), "Building trust in natural resource management within local communities: a case study of the Midewin National Tallgrass Prairie", **Environmental Management**, No. 3:353- 368.
- Davis, J., Kang, A. and Vincent, J. (2001), "How Important is Improved Water Infrastructure to Microenterprises? Evidence from Uganda", **Journal of World Development**, No.29: 1753-1767.
- Earle, T. and Cvetkovich, G.T. (1995), **Social Trust: Toward a Cosmopolitan Society**, New York.
- Carlsson, L. and Berkes, F. (2005), "Co-management: concepts and methodological implications", **Journal of Environmental**, No. 75: 65-76
- Elands. B. H. M. and Wiersum, K. F. (2001), "Forestry and rural development in Europe: an exploration of socio-political discourses", **Forest Policy and Economics**, No. 3: 5-16.

- Fukuyama, F. (1995), **Trust: the social value and the creation of prosperity**, New York. Free Press.
- Gaotri, H. (1986), **Popular Participation in Development**, Paris: Unesco.
- Hanneman, R.A., Riddle, M. (2005), **Introduction to social network methods**, **University of California Riverside**, California.
- Leahy, E. and Anderson, H. (2008), “Trust Factors in Community–water Resources Management Agency Relationships”, **Journal of Landscape and Urban Planning**, No. 87: 100–107.
- Lienert J., Schnetzer, F., Ingold, K. (2013), “Stakeholder Analysis Combined With Social Network Analysis Provides Fine-Grained Insights in to War Infrastructure Planing Processes”, **Journal of Environmental Management**, No.125: 134-148.
- Madu, A. I. (2007), “Case study: the underlying factors of rural development patterns in the Nsukka region of southeastern Nigeria”, **Journal of Rural and Community Development**, No. 2: 110-122.
- Newig, J., Günther, D. and Pahl-Wostl, C. (2010), “Synapses in the network: learning in governance networks in the context of environmental management”, **Ecology and Society**, No. 4: 24.
- Overton, J. (1999), **Strategies for Sustainable Development: Experiences from the Pacific**, Zed Book, London.
- Petrou, A. and Daskalopoulou, I. (2013), “Social capital and innovation in the services sector”, **European Journal of Innovation Management**, No.1: 50-69.
- Plickert, G., C’ot’e, R.R. and Wellman, B. (2007), “It’s not who you know, it’s how you know them: Who exchanges what with whom?” **Social Networks**, No.29: 405-429.
- Prell, C., Hubacek, K. and Reed, M. (2009), “Stakeholder analysis and social network analysis in natural resource management”, **Journal of Society and Natural Resources**, No. 22: 501–518.
- Pretty, J. (2003), “Social capital and the collective management of resources”, **Journal of Science**, No. 302: 1912- 1914.
- Pretty, J. and Ward, H. (2001), “Social Capital and the Environment”, **Journal of World Development**, No. 2: 209–227.
- Pretty, J. and Ward, H. (2001), “Social Capital and the Environment”, **Journal of World Development**, No. 2: 209–227.
- Putnam, R. D. (2002), **Bowling together, American Prospect**, Accessed on 1 September 2002 at [http:// www. Prospect. Org](http://www.Prospect.Org).
- Rocha, G. M. (2002), **Neo-Dependency in brazil**, New Left Review on 16 july-august.
- Scott, J. (2000), **Social Network Analysis**, Sage, London.
- Stern, M. J. and Baird, T. D (2013), “Trust ecology and the resilience of natural resource management institutions”, **Ecology and Society**, No.2: 14-23.

- Taylor, j. (2002), "Sustainable Development a Dubious Solution in Search of a Problem" **Policy analysis**, 449: 1-49.
- WCED (World Commission on Environment and Development)., 1987, **Our common future. Bruntland Commission**, Oxford University Press. NY.
- Wondelleck, J. M. and Yaffee, S. L. (2000), **Making Collaboration Work: Lessons from innovation in natural resource management**, Washington, DC, Island Press.